

## گزارش نشست تخصصی «مستند جامعه‌شناختی و تخیل انتقادی»

### تنظیم و نگارش: مژگان پیرک - محبوبه امینی

نشست تخصصی «مستند جامعه‌شناختی و تخیل انتقادی» 15 اردیبهشت 1398 به همت انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات (دفتر استانی اصفهان)، انجمن علمی جامعه‌شناسی، کانون فیلم و عکس، دفتر سینما فلسفه و همکاری گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان با سخنرانی آقای پوریا جهانشاد در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان برگزار شد.

مهم‌ترین مباحثی که در نشست «مستند جامعه‌شناختی و تخیل انتقادی» توسط آقای جهانشاد مطرح شد شامل: مروری بر چپستی و دلایل اهمیت مستند جامعه‌شناختی، فیلم مستند، بازنمایی یا بازتولید واقعیت، اصالت یا عدم اصالت واقعیت، گفتمان‌های قدرت و نقش حوزه‌های دانش در برساختن واقعیت اجتماعی، دانش روایی (سنتی) و دانش علمی، پوزیتیویسم منطقی و رابطه آن با مستند اجتماعی، نگاهی انتقادی به مستندهایی که با موضوع مهاجران افغانستانی در ایران ساخته شده‌اند، است.

ایشان مستند جامعه‌شناختی را در مقابل مستند اجتماعی قرار داده و به بیان ویژگی‌های هر کدام و تفاوت‌هایی که باهم داشته‌اند پرداخت. از منظر جهانشاد، مستند جامعه‌شناختی در تضاد با مستند اجتماعی است. مستند جامعه‌شناختی یک نوع شیوه فیلم‌سازی نیست، بیشتر یک نوع عینک است که می‌تواند به اشکال بازنمایی کمک کند. در مقابل «جامعه‌شناسی تصویری» به فیلم به‌عنوان یک ابزار برای شناخت اجتماعی نگاه می‌کند. تفاوت اصلی مستند جامعه‌شناختی با مستند اجتماعی، تفاوت در نگاه به واقعیت، اصالت و یا عدم اصالت واقعیت است. اصالت واقعیت یعنی اینکه واقعیت یک چیز خنثی و در خود است و حوزه‌های دانش حوزه‌هایی هستند که ارتباطات مستقیم، درونی و ذاتی با زیست جهان ما دارند، اما عدم اصالت واقعیت یعنی اینکه واقعیت سوبیه‌مند است و یک برساخته اجتماعی است و حوزه‌های دانش حوزه‌هایی برساخته تعاملات و ساختارهای اجتماعی هستند.

به بیان جهانشاد دو کلان نظریه در این حوزه وجود دارد که در حوزه‌های سینما و ... نیز مطرح شده‌اند: 1- نظریات واقع‌گرا، 2- نظریات ساختارگرا. منظور از نظریات واقع‌گرا، نظریاتی‌اند که به واقعیت اصالت می‌دهند و اصولاً شکل‌گرا هستند. مثل پدیدارشناسی، پوزیتیویسم، تجربه‌گرایی. آنها به واقعیت به شکل صورت نگاه می‌کنند. جهان به‌مثابه صورت چیزها نگاشته می‌شود. صورت چیزی که به‌واسطه حواس پنجگانه قابل تجربه است. در اینجا حوزه‌های دانش به شکلی تعریف می‌شوند که به زیست جهان ما وابسته‌اند و نه در ارتباط با سازوکار قدرت. اما نظریات دیگری که در این حوزه قابل طرح است، نظریات برساخت‌گرا هستند. در این نظریات واقعیت فاقد اصالت و یک امر برساختی است که تحت تأثیر سازوکارهای اجتماعی و قدرت است و شامل نظام مفهومی و معنایی است که تعیین‌کننده جایگاه اجتماعی و طبقاتی پدیده‌ها است. واقعیت برساخته اجتماعی و محصول کنش و کارکردهای زبانی است. گفتمان‌های قدرت اصلی‌ترین نقش را در ساختن واقعیت بازی می‌کنند و در این راه از دانش‌های مختلف به شکل ایدئولوژیک بهره می‌گیرند. پس نتیجه می‌گیریم که پشت حوزه‌های قدرت گفتمان دانش قرار گرفته است و از این جهت این یک بازی برد-برد است. چراکه گفتمان دانش به‌نوعی خلل‌ناپذیری حوزه‌های دانش را تضمین می‌کند و این گفتمان‌های دانش به‌نوعی گفتمان‌های مسلط را تثبیت کرده و رمزگان آنها را در سطح جامعه توسعه می‌دهند. این توسعه با ابزار مختلفی همچون رسانه، فیلم، زبان و درواقع در یک رابطه بازخوردی بین انواع و اقسام روایت‌های زبانی و بازی‌های زبانی و رسانه و در حوزه‌های دانش این گفتمان‌ها همواره تثبیت و طبیعی‌سازی می‌شود.

در ادامه این بحث، جهانشاد به بررسی این سؤال پراهمیت می‌پردازد که آیا مستندهای اجتماعی در خدمت گفتمان‌های قدرت هستند یا در تعارض با آنها؟ وی سپس این‌گونه پاسخ می‌دهد که مستندهای اجتماعی مستندهایی هستند که به ترویج نگاه واقع‌گرا کمک می‌کنند؛ و این گفتمان‌ها برخلاف تصور همه در خدمت گفتمان‌های مسلط‌اند.

جهانشاد در راستای همین مباحث دو نوع دانش سنتی و دانش علمی را مورد بررسی قرار می‌دهد. به عقیده وی، دانش سنتی از اسطوره‌ها و فرهنگ شفاهی آمده است و فرمت روایی دارد. دانش خود مشروع است و نیازی به اثبات ندارد؛ اما دانش علمی، دانش علمی خود را در تقابل با دانش اول تعریف کرده است و گزاره‌های مصداقی صادر می‌کند که نیاز به اثبات دارد، این دو حوزه دانش هم‌تراز نیستند و مشروعیت یکسانی ندارند. در کل می‌توان از این بحث این‌گونه نتیجه گرفت که دانش سنتی همواره مشروعیتش

را از دانش علمی (اجتماعی یا تجربی) می‌گیرد. از این رو مستندات اجتماعی ما از طریق دانش علمی به گفت‌وگوهای قدرت متصل شده‌اند و بنابراین دارای ویژگی‌های پوزیتیویستی‌اند. به همین دلیل مهم‌ترین حامیان علم تجربه‌گرایان منطقی بوده‌اند و عموماً تمام دیدگاه‌های نظری آن‌ها بر سه اصل اثبات‌پذیری، مشاهده و استقرا (تعمیم‌پذیری) استوار است.

آقای جهان‌شاد در ادامه از جمله دلایل جذابیت پوزیتیویسم برای مستندهای اجتماعی را این‌گونه بیان می‌دارد که سینمای مستند اجتماعی در دوره‌ای مطرح می‌شود که پوزیتیویسم در رأس قدرت بودند و به‌عنوان حامی اصلی این سینما مطرح شدند. اعتبار به مشاهده مهم‌ترین چیز برای یک فیلم‌ساز است و در پوزیتیویسم تمامی واقعیت بیرون قابل مشاهده‌اند و این اصلی است که بر کار مستند اجتماعی صحنه می‌گذارد. تأثیرات مستقیم پوزیتیویسم بر مستند اجتماعی شامل؛ اثبات پدیده‌های اجتماعی از طریق مشاهده، استنتاج کلی از مشاهدات جزئی، تعمیم بخشی پدیده‌های اجتماعی، بازگشت به ایده بی‌واسطگی تصویر مستند است. همچنین ویژگی‌های مستندات اجتماعی را این‌گونه بیان می‌کند: این مستندات به دنبال آگاهی‌بخشی‌اند اما باگذشت زمان و تکرارشان خاصیت اثربخشی خود را از دست می‌دهند و باعث می‌شوند مخاطب واکنشی از خود نشان ندهد. تثبیت وضع موجود از مهم‌ترین ویژگی مستندات اجتماعی است این مستندات تنها وضعیت موجود را نشان می‌دهند نه عاملیتی که باعث به وجود آمدن آن شده است به‌نوعی پشت‌صحنه این وضعیت مخفی می‌ماند و باعث طبیعی سازی پدیده می‌شود. در مقابل مستند جامعه‌شناختی؛ در تلاش است کنش را جانشین مشاهده کند. مستند جامعه‌شناختی به مشاهده هیچ اولویتی نمی‌دهد، مستندساز جامعه‌شناختی مستندساز کنشگر است، مستندساز باید واقعیت موجود را به چالش بکشد و چرایی این واقعیت را مشخص کند. مستند جامعه‌شناختی چرخه وقوع پدیده را باید متوقف کند، مستند جامعه‌شناختی دغدغه اجتماعی دارد و حل بخشی از مشکلات اجتماعی را در سر دارد و اگر تنها به نشان دادن پدیده و مشکل اجتماعی تقلیل داده شود خیانت بزرگی کرده است. در نتیجه باید به‌گونه‌ای فیلم‌های اجتماعی را ساخت و دید که از تمام زوایا بتوان آن‌ها را مشاهده کرد و چیزهایی را که نشان نمی‌دهند را نیز بتوان دید.

ایشان در ادامه به بررسی ویژگی‌های فیلم‌هایی با موضوع مهاجران افغانی که در ایران ساخته شده‌اند پرداخت و ویژگی مشترک تمامی این فیلم‌ها را پیام‌نگار بودن می‌داند به این معنی که در این فیلم‌ها روی پیامدهایی که مهاجرت دارد تأکید می‌کنند. ویژگی اصلی این فیلم‌های قربانی‌نگاری است؛ یعنی این فیلم‌ها اساساً ساخته می‌شوند تا تصویر یک قربانی از مهاجر را به فرد عرضه دارند. هیچ از فیلم‌ها درباره علل مهاجرت ساخته نشده است. ویژگی دیگر این فیلم‌های رقت‌انگیز بودن شرایط مهاجرت است یعنی به دنبال درآوردن اشک مخاطبشان هستند. یکی از دلایل این امر آگاهی بخشی اجتماعی است، دلیل دیگر تشکیل انجمن‌های خیریه و انداختن بخشی از بار دولت‌ها به دوش این انجمن‌هاست. مهم‌ترین پیامد این امر تثبیت وضع موجود و جا انداختن پدیده مهاجرت است؛ و این یکی از ویژگی‌های مستندات اجتماعی است که باعث می‌شود عاملیت‌ها حذف شود و نادیده انگاشته شود. این پروسه‌ها در واقع سیاست‌زدایی می‌شوند؛ و این در واقع بازتولید وضع موجود است. راه مقابله با این وضعیت از نظر جهان‌شاد ارائه آلترناتیو‌هایی در مقابله با وضع موجود است. اینجاست که مستندساز باید واقعیت‌ها را به چالش بکشد. در اینجا اصلاح آرטיست-اکتیویست (فیلم‌ساز-کنشگر) به میدان می‌آید که در آن مستندساز به‌جای پیامدها و آنچه قابل مشاهده هست، عاملیت‌ها و عوامل پنهانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد و مستندهای جامعه‌شناختی این‌گونه متولد می‌شوند. فیلم‌ساز جامعه‌شناس در اینجا باید به‌گونه‌ای دیگر به مسائل نگاه کند یعنی هم چیزهایی که قابل مشاهده هستند را ببیند و هم چیزهایی که بیان نشده‌اند را.

در ادامه این نشست، مستند «ما در شب پرسه می‌زنیم» و در آتش بلعیده می‌شویم» نمایش داده شد و مباحثی پیرامون این مستند مطرح شد، همچنین در این باره برخی حاضرین سوالاتی مطرح کردند و به بحث و ارائه نظر در این باره پرداخته شد.